

### گفت‌وگو با فرزند مرادی

سیامک سپهری و بهزاد مرادی درباره گروه «رستاک»

# هر اتفاقی ممکن است

◀ سیامک سپهری: ۲۰ سال با هم کار کردیم و این بزرگترین موفقیت ماست

◀ بهزاد مرادی: مردم کشورهای دیگر نیز باید موسیقی بومی را بشنوند

◀ فرزند مرادی: تلفظ اشعار بومی را از پیشکسوت‌های منطقه می‌پرسیم تا صحیح اجرا کنیم



سحر طاعتی | گروه موسیقی رستاک که طی یک دهه گذشته به یکی از گروه‌های پر مخاطب موسیقی کشورمان بدل شده، در تابستان ۷۶ فعالیت خود را آغاز کرده و در طول عمر ۲۰ ساله‌اش توانسته با تمرکز بر موسیقی بومی و آرایه آن به شیوه خود، این بخش از موسیقی غنی کشورمان را به مخاطبانش خصوصا نسل جوان بشناساند. این گروه با عمر ۲۰ ساله خود در کنار کنسرت‌های موفق که در داخل و خارج از کشور داشته، چهار آلبوم

موسیقی نیز با عناوین رنگارنگ‌های کهن، همه اقوام من، سوزنای نوروژ و میان خورشیدهای همیشه را منتشر کرده که هر کدام به معرف بخش‌هایی از موسیقی اقوام سرسزمین‌مان پرداخته‌اند. گفت‌وگوی ذیل با سیامک سپهری نوازنده و سرپرست و فرزند و بهزاد مرادی خوانندگان و نوازندگان گروه که سه عضو اصلی رستاک را تشکیل می‌دهند، صورت گرفته که در ادامه می‌خوانید:

بنیان این گروه بر چه اساسی شکل گرفت؟

سیامک سپهری: زمانی که در دانشگاه تهران هنرهای زیبا درس می‌خواندم، در آن مقطع جشنواره موسیقی بومی در کرمان در جریان برگزاری بود که فکر می‌کنم دوره دوم بود، آقای حمیدرضا اردلان پیشنهاد کرده بودند هیأت پژوهشی موسیقی بومی تشکیل شود، به دنبال آن اسم من و دوستانم در آن تیم بود که آن‌جا نخستین مواجهه من با موسیقی محلی زده شد و در واقع شاید تلنگر اولیه شکل‌گیری رستاک با این فرمت کنونی از همان جا زده شد.

۲۰ سال از فعالیت گروه موسیقی رستاک با تمرکز بر موسیقی بومی می‌گذرد، این در حالی است که شاید طی یک دهه اخیر مخاطبان با گروه آشنا شدند و ارتباط برقرار کردند. فکر می‌کنید چقدر توانستید در همه این سال‌ها به رسالت و اهداف‌تان برسید؟

سیامک سپهری: خوشحالم ۲۰ سال توانستیم با هم کار کنیم و فکر می‌کنم این بزرگترین موفقیت ما است. برای ما قابل تصور نبود که رستاک بتواند پلی بین بعضی فرهنگ‌ها و نسل‌ها باشد و بعد از آلبوم «همه اقوام من» همه چیز دست‌به‌دست هم داد و باعث شد آن آلبرو حالت خاصی داشته باشد. از همان زمان همه چیز برای ما جدی‌تر شد، چرا که بیشتر متوجه شدیم کاری که انجام می‌دهیم بار و مسئولیتی سنگینی

به مخاطب آرایه دهید؟

سیامک سپهری: یک مسأله‌ای که از ابتدا به آن واقف بودیم و به نظر بدیهی می‌آمد، این بود که شاید گروهی هستیم که هر کدام از بچه‌ها با فرهنگی آشنا هستند و این آشنایی صرفا از بیرون نیست. مثلا فرزند و بهزاد مرادی خودشان در بطن یک فرهنگ رشد کردند، بنابراین نگاه‌شان به آن فرهنگ نگاهی از بیرون نیست.

هیچ‌وقت چنین ادعایی نداشتیم که بخواهیم آن موسیقی را نعل‌به‌نعل براساس همان چیزی که اجرا می‌شده، اجرا کنیم اولاً این که هم از عهده ما و هر کسی که از نگاه بیرونی وارد یک فرهنگ می‌شود خارج است و هم این که چنین قصدی نداشتیم. اگر قرار بود آن موسیقی با همان فضا اجرا شود، بهترین‌هایش در همان منطقه هست.

ولی به‌طور کلی تلاش ما این بوده که با نگاهی که خودمان داریم از مترتایل موسیقی بومی استفاده کنیم و به‌عنوان گروهی که از بطن فرهنگ‌ها نیستیم، با آنها برخورد کنیم، بنابراین همیشه جای اشتباه وجود دارد و به همان دلیلی که همیشه مطرح کردیم، گروه تجربی هستیم، فکر می‌کنم این جزو طبیعتش می‌تواند باشد که رشد کند و تجربه‌اش قوی‌تر و روزبه‌روز بهتر شود.

آهنگسازان بزرگی در کشور ما همچون احمد پژمان هستند که در آثار کلاسیک‌شان از موسیقی بومی استفاده می‌کنند، شاید تنها چیزی که ما در رستاک ندیدیم، خلق اثری مستقل با بهره‌گیری از



سیامک سپهری:  
واقعیت این نبود که من از گروه کناره‌گیری کرده باشم در واقع همین ۲۰ سال برای من خستگی زیادی را ایجاد کرده بود و بچه‌ها لطف کردند و اجازه دادند که من یک مرخصی نامحدود داشته باشم. ولی همچنان انگیزه‌ترین بخش این مرخصی برای من این بود که لمس کردم گروهی داریم که صرفا وابسته به یک نفر نیست و کارش را ادامه می‌دهد و بعد از ۶ ماه حس کردم می‌توانم برگردم و دوست داشتم برگردم

تم‌های موسیقی بومی باشد. چرا این مسأله هیچ‌گاه در گروه رستاک اتفاق نیفتاده است؟

سیامک سپهری: در یک مقطعی برای خود من فضای موجود در موسیقی بومی جذاب بود و این فضا برام حس می‌داد که هر که می‌تواند به‌عنوان کسی که موسیقی دوست دارد، روی آن کار کند، ولی بعدها فضای کاری‌مان تفاوت پیدا کرد. در واقع حداقل برای من که با این نوع موسیقی آشنایی دارم خیلی سخت‌است فکر کنم به‌راحتی می‌شود با این ملودی‌هایی که مرور زمان آن قدر صیقل پیدا کردند، ملودی‌سازی کرد یا فضایی را برمی‌آید آنها شکل داد، بنابراین ترجیح‌مان در زمان‌های اخیر این بوده که از این ملودی‌ها استفاده و آنها را تنظیم کنیم.

برخی موسیقی‌های بومی به صورت ساز و آواز یا آواز تنها اجرا می‌شوند و در رستاک می‌بینیم که ملودی‌پردازی‌ها خیلی خوب

فرزند مرادی:

موسیقی فولک در بطن یک جامعه با شرایط جغرافیایی شکل می‌گیرد یعنی آن جغرافیا بر هر چیزی تاثیر گذاشته یعنی سازهایی که در آن منطقه تولید می‌شود بر اساس ذائقه فرهنگی آنهاست و همانطور که غذاهای هر منطقه با دیگری فرق دارد، موسیقی، آداب و رسوم و لباس‌هایشان هم متفاوت است. ما فقط به بهتر شدن کار فکر می‌کنیم تا این که در چه قالبی باشیم



اتفاق می‌افتد و یک گروه چند نفره یک موسیقی بومی را به صورت گروه‌نوازی اجرا می‌کنند.

سیامک سپهری: فکر می‌کنم به‌رحال با همه بچه‌ها در کنار هم داریم به یک زبان مشترک می‌رسیم که در واقع نگاه مشترکی به این تجربیات است که به مرور زمان هم رنگ یکدست‌تری پیدا می‌کند، در عین حال که سعی می‌کنیم اصالت را به لحاظ ساختار ملودی و شعر حفظ کنیم و آن ملودی را تا جایی که برای ما جذابیت دارد، رنگ آمیزی کنیم و نتیجه‌اش این می‌شود که بعد از گذشت این زمان شما ممکن است آن ملودی‌ها را بیشتر در کارهای‌مان ببینید و بشنوید و در عین حال ملودی اصلی هم بهتر به گوش برسد.

اخیرا حواشی برای رستاک مبنی بر این که با کناره‌گیری سیامک سپهری، رستاک ۲۰ ساله در حال فروپاشی است، ایجاد شده بود.

سیامک سپهری: واقعیت این نبود که من از گروه کناره‌گیری کرده باشم، در واقع همین ۲۰ سال برای من خستگی زیادی را ایجاد کرده بود و بچه‌ها لطف کردند و اجازه دادند من یک مرخصی نامحدود داشته باشم. ولی همچنان انگیزه‌ترین بخش این مرخصی برای من این بود که لمس کردم گروهی داریم که صرفا وابسته به یک نفر نیست و کارش را ادامه می‌دهد و بعد از ۶ ماه حس کردم می‌توانم برگردم و دوست داشتم برگردم.

بعد از انتشار آخرین آلبوم رستاک ما شاهد این بودیم که یک قطعه بلوچی با صدای محمدرضا هدایتی منتشر شد. چه شد که هدایتی به گروه اضافه شد و این قطعه را جداگانه خارج از آلبوم منتشر کردید؟

فرزند مرادی: این قطعه را در آلبوم «میان خورشیدهای همیشه» اجرا و منتشر کرده بودیم، اما متأسفانه دیر متوجه شدیم که آقای محمدرضا هدایتی چه شناخت عمیقی نسبت به موسیقی بلوچستان دارند، بنابراین تصمیم گرفتیم این قطعه را دوباره با حضور ایشان بازخوانی کنیم و چقدر هم زیبا شد، چرا که ایشان روایت‌های دیگری از موسیقی بلوچستان به ما معرفی کردند و ما براساس آن روایت‌ها این قطعه را بازخوانی کردیم.

با توجه به این که طی سال‌های گذشته بازیگران حضور پررنگی در بخش موسیقی داشتند و این مسأله مطرح بوده که گروه‌های موسیقی برای فروش بیشتر کنسرت‌ها و آلبوم‌هایشان از حضور بازیگران استفاده می‌کنند، آیا شما این ایده را داشتید یا صرفا از این جهت که آقای هدایتی موسیقی منطقه خودشان را می‌شناسد و می‌تواند راوی این موسیقی باشد که با مخاطب عام هم بتواند ارتباط برقرار کند، انتخاب صورت گرفت؟

فرزند مرادی: ما اصولا براساس قابلیت‌هایی که اعضای گروه‌مان دارند، با آنها همکاری می‌کنیم و از آن‌جا که آقای هدایتی توانایی اجرای موسیقی بلوچی را داشتند، از حضورشان بهره بردیم.

بهزاد مرادی: محمدرضا هدایتی خیلی خوب موسیقی بلوچ را می‌شناسد و خوب هم می‌خواند و سال‌هاست در زمینه بازیگری شناخته شده هستند. حضور ایشان بیشتر یک اتفاق بوده، البته این صحبت شما کاملا درست است که بعضی وقت‌ها با هدف خاصی این کار انجام می‌شود، ولی شاید ما خیلی فکر نکردیم یا چه هدفی به سمت ایشان رفتیم، در واقع تنها هدف‌مان شناخت او از موسیقی بلوچ و صدای زیبای‌شان بود.

به‌طور کلی این اتفاق خیلی خوشایندی برای ما بود که ایشان در کنار آن هنر بازیگری و صدای خوشگوش‌شان آن قدر درباره موسیقی سیستان و بلوچستان شناخت کامل دارند و اجرای این قطعه شروعی برای همکاری ما بود که امیدواریم ادامه پیدا کند.

یعنی به چهره بودن ایشان فکر نکردید؟ بهزاد مرادی: قطعا این خیلی جذاب و خوشایند است که آقای هدایتی در کنار چهره خوبی که در ذهن مردم ساختند، نگاه و توجه

خاصی هم به موسیقی بومی دارند و در واقع توجه ما و ایشان به موسیقی نواحی باعث این همکاری شد.

این امکان وجود دارد رستاک که هدفش آرایه موسیقی‌های بومی کل کشور است، در آینده با هنرمندان دیگری که صرفا مثل هدایتی به موسیقی خودشان می‌پردازند، همکاری داشته باشد؟

فرزند مرادی: بله، هر امکانی در رستاک وجود دارد. ما یک گروه تجربی هستیم که سال‌های سال است در حال کنسب تجربه‌ایم و از هر اتفاقی که بتواند در مسیر رستاک حرکت و پیشرفتی ایجاد کند، استقبال می‌کنیم، ولی باید به گونه‌ای باشد که با کار ما ارتباطی نداشته باشد.

انتقاد کرده طی همه این سال‌ها به رستاک وارد شده این است که در تقسیم‌بندی‌های ژانری رستاک را گروه محلی نمی‌دانند، و واسطه این که قطعاتی که در قالب موسیقی نواحی در رستاک اجرا شده به لحاظ آهنگسازی تغییر کرده، در واقع رستاک را بیشتر پاپ می‌دانند تا بومی. خودتان رستاک را چه ژانری می‌دانید؟

فرزند مرادی: مترتایل ما موسیقی فولک، سازبندی‌مان موسیقی سنتنی و محلی است و نگاهمان هم سعی کردیم مدرن باشد. با هدفی که رستاک دارد، یعنی قابلیت برقراری ارتباط با مخاطبان بیشتر و این همان پایولار است و البته نوع تنظیمی که انجام می‌دهیم، پلی‌فونیک است و شاید اسم تلفیقی را هم بتوان بر گروه گذاشت، چون ما در سازبندی هم سازهایی چون کنترباس و سازهایی غربی را با سازهایی ایرانی و فولک تلفیق کردیم. در واقع می‌توان اسمش را گروه تجربی و موسیقی خاص رستاک گذاشت.

به‌طور کلی فقط به بهتر شدن کار فکر می‌کنیم تا این که در چه قالبی باشیم، ولی مردم پوسته‌ظاهر را همیشه زودتر می‌بینند و چون کنسرت‌هایی با جمعیت‌های زیاد می‌دهیم، ما را در ژانر موسیقی پاپ قرار می‌دهند، در صورتی که سازبندی‌مان هیچ ارتباطی با موسیقی پاپ ندارد.

بهزاد مرادی: این که اسم خاصی روی گروهی گذاشت که در مدت زمان فعالیت و نگاهش به این نوع موسیقی در زمان فعالیتش متفاوت بوده، مقدار سخت است. این که ما بایلیم فقط براساس سازبندی یا جنس یا تنظیم موسیقی، اسمی روی گروه بذاریم، فکر می‌کنم از نوع دسته‌بندی‌های جشنواره‌ای باشد.

من فکر می‌کنم گروه ما محلی نیست، چرا که گروه محلی، گروهی است که در آن منطقه زندگی می‌کند، خودش را اجرا می‌کند، موسیقی که با آنها زندگی کرده و بزرگ شده‌اند و در آن استادند. من به‌شخصه همیشه دوست داشتم کسی در رابطه با موسیقی منطقه خودم، کردستان کاری انجام می‌داد و بسا نگاه خودش به این موسیقی می‌نگریست و محصول جدیدی را بسا احترام به

موسیقی این منطقه آرایه می‌داد.

ما سعی کردیم بسا رنگ‌بندی و استفاده از سازهایی آن منطقه و تا حد امکان نزدیک‌شدن به لهجه و کلام منطقه و دست نخوردن ملودی‌ها که به نظر من این نوع برخورد نوعی احترام است، به موسیقی بومی هر منطقه بپردازیم.

این نگاه مرزبندی شاید از این‌جا نشأت می‌گیرد که بسیاری از بزرگان موسیقی نواحی بر این باورند که موسیقی نواحی باید نعل‌به‌نعل اجرا شود و هیچ دخل و تصرفی در آن صورت نگیرد. در واقع در موسیقی بومی نباید نوآوری رخ دهد که اگر چنین شود دیگر موسیقی فولک نیست.

فرزند مرادی: موسیقی فولک در بطن یک جامعه با شرایط جغرافیایی شکل می‌گیرد، یعنی آن جغرافیا بر هر چیزی تاثیر گذاشته، یعنی سازهایی که در آن منطقه تولید می‌شود، بر اساس ذائقه فرهنگی آنهاست و همان‌طور که غذاهای هر منطقه به دیگری فرق دارد، موسیقی، آداب و رسوم و لباس‌های‌شان هم متفاوت است.

در هر منطقه با توجه به سازهایی که استفاده می‌کنند، موسیقی‌های مختلفی شکل گرفته و شاید دلیل این که از کستری تشکیل نشده به علت همان یک ساز آیینی موجود بوده که مردم با آن زندگی کرده‌اند و بسا فرهنگ مردم از زمان تولد تا مرگ پیونده خورده است.

از طرفی آن موسیقی از جغرافیایی فرهنگی‌اش خارج نشده، چون لازم نبوده خارج شود. حال گروه رستاک براساس کارکردش خواسته این حفظ اصالت‌ها به زبان خودش اجرا کند.

می‌توان گفت رستاک مترتایلش را از موسیقی بومی می‌گیرد، ولی با سازبندی، تفکر و نوع مخاطبش تنظیم و سازبندی را تغییر می‌دهد و از مونوفونیک به پلی‌فونیک تبدیل می‌کند؟ بهزاد مرادی: این که شما می‌گویید کاملا

درست است. من هنوز به مسأله‌ای که نگاه

دوستان این است که موسیقی بومی به همان شکل اجرا شود، می‌اندیشیم. من معتقدم با اتفاقاتی که در دنیای امروز می‌افتد، برخاستن به این موسیقی منطقه خودم برام جذاب است و این که مردم دیگر سرسزمین‌ها نیز آن را بشنوند

فکر می‌کنم لازم‌ترین شرط شدن به این مقوله این است که ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم به خاطر اینکه شاید با بدیه همان شیوه اجرا شوند ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هرروز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند جذاب باشد

درست است. من هنوز به مسأله‌ای که نگاه دوستان این است که موسیقی بومی به همان شکل اجرا شود، می‌اندیشیم. من معتقدم با اتفاقاتی که در دنیای امروز می‌افتد، برخاستن به این موسیقی منطقه خودم برام جذاب است و این که مردم دیگر سرسزمین‌ها نیز آن را بشنوند

فکر می‌کنم لازم‌ترین شرط شدن به این مقوله این است که ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم، به علت این که شاید باید به همان شیوه اجرا شوند، ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هر روز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند، جذاب باشد.

بهزاد مرادی: ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم، به علت این که شاید باید به همان شیوه اجرا شوند، ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هر روز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند، جذاب باشد.

بهزاد مرادی: ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم، به علت این که شاید باید به همان شیوه اجرا شوند، ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هر روز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند، جذاب باشد.

بهزاد مرادی: ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم، به علت این که شاید باید به همان شیوه اجرا شوند، ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هر روز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند، جذاب باشد.

بهزاد مرادی: ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم، به علت این که شاید باید به همان شیوه اجرا شوند، ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هر روز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند، جذاب باشد.

بهزاد مرادی: ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم، به علت این که شاید باید به همان شیوه اجرا شوند، ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هر روز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند، جذاب باشد.

بهزاد مرادی: ما یک مقدار بیذیریم که ممکن است تغییراتی نیز لازم باشد تا با گوش نسل جدید ارتباط برقرار کند. ما روی بخش‌های حساس موسیقی فولک کار نمی‌کنیم، به علت این که شاید باید به همان شیوه اجرا شوند، ولی بخش دیگری از موسیقی می‌تواند با این نگاه برای بقیه مردم که هر روز موسیقی‌های مختلف می‌شنوند، جذاب باشد.